

## ارتقاء بخشی سیمای شهری از طریق ضوابط و الگوهای طراحی شهری؛ تجربه‌ی اراضی غرب شهرک بهشتی در شیراز

وحید غفاری پور جهرمی<sup>۱</sup>، سارا کبیریان مقدم<sup>۲</sup>\*

۱- کارشناس ارشد معماری و طراحی شهری، دانشگاه تهران- پردیس هنرهای زیبا Vahid.Ghafari@gmail.com

۲- کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشگاه تهران- پردیس هنرهای زیبا Sara.Kabirian@gmail.com

### چکیده

مطرح شدن معماری ساختمان‌ها به سبک‌ها و اشکال مختلف در چند دهه اخیر و آشفتگی سیمای محیط‌های شهری حاصل از آن سبب کاهش حس تعلق و علاقه‌ی شهروندان ایرانی به محیط زندگی خود گردیده است. بنابراین در چنین شرایطی که فقدان الگوهای انسجام بخش و پیونددهنده در طراحی ساختمان‌ها کاملاً مشهود است، لزوم دخالت طراح شهری در پروژه‌های شهری احساس می‌شود. بدین منظور مقاله حاضر ماحصل تلاشی است که برای اولین بار با استفاده از ضوابط و راهنماهای طراحی شهری به کنترل طرح‌های معماری در شیراز پرداخته است. هدف از این پروژه، دستیابی به سیمای شهری مطلوب و همچنین ایجاد حس تعلق خاطر و آرامش در ساکنان محله‌ای نوپا در شهرک شهید بهشتی در شمال غرب شیراز می‌باشد. در این پژوهش با استفاده از مطالعات میدانی به جمع‌آوری اطلاعات، طبقه بندی و تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شده و با کمک مطالعات اسنادی به ارائه ضوابط و دستورالعمل‌های اقدامی در قالب شناسنامه معماری و شهرسازی برای هر قطعه مسکونی پرداخته است. امید است این عمل به ارتقای کیفی محیط زیست شهروندان که یکی از اهداف اصلی طراحی شهری است بیانجامد.

واژه‌های کلیدی: طراحی شهری، بافت مسکونی، جداره شهری، الگوهای طراحی، شیراز

### ۱- مقدمه

امروزه تحقیقات گسترده‌ای در زمینه تأثیر عناصر مختلف سیمای شهری مانند نشانه‌ها، جداره‌های شهری، فضاهای باز و نیمه باز، خیابان‌های محلی، میادین، محله‌ها، جذابیت و مطلوبیت مناظر طبیعی و فضاهای سبز، آب و انعکاس آن، نور طبیعی و نظایر آن، بر احساس و ادراک استفاده‌کنندگان انجام شده و تحقیقات دامنه‌دار دانش روانشناسی محیطی نشان می‌دهد که ترکیب محیط شهری به گونه‌ای تدریجی و مداوم، احساس و ادراک شده و حتی رفتار انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به دیگر سخن استقرار بناهای مستقل شهر در کنار یکدیگر، سازنده کلیتی بالاتر است که ممکن است به ادراک آرامش یا شلوغی، اغتشاش یا نظم، تنوع یا یکنواختی، هماهنگی یا تضاد و تشخص یا نظایر آن از سیما و فضای شهری منجر شود.

حال آن‌که در شرایط امروز، علیرغم مداخلات طراحانه هرچه وسیع‌تر معماران، محیط کالبدی هر روز بیش از پیش انسجام خود را از دست می‌دهد. مطرح شدن معماری به سبک‌ها و اشکال مختلف و تحولات کالبدی شهرها در چند دهه اخیر نشان داده است که معماران کمتر به محیط کالبدی پیرامون حوزه طراحی خود توجه دارند. چراکه ساختمان‌های جدید به ندرت دارای ویژگی‌ها و کیفیات مشترک با ساختمان‌های پیرامون خود می‌باشند، به گونه‌ای که در بهترین شرایط، بناها هر